

پاسخ رهبری به سئوالات دانشجویان



مشروح سخنان دبیر جنبش عدالت‌خواه دانشجویی
در محضر مقام معظم رهبری
و پاسخهای ایشان
در دیدار دانشجویان نخبه و تشکلهای دانشجویی
مهرماه 86

متن سخنان نماینده جنبش عدالت خواه دانشجویی

در محضر مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم لا ترفعني في الناس درجةً الا حططتني عند نفسي مثلها
و لا تحدث لي عزاً ظاهراً الا احدثت لي ذللاً باطنه عند نفسي بقدرها

ضمن عرض سلام و خسته نباشید؛ و تشکر از فرصتی که در اختیار قرار داده شده است. در سه بخش نگاههای جنبش عدالتخواه را خدمتتان ارائه می کنم :

بخش اول. ضرورت بازتعریف تئوری فعالیت دانشجویی از سوی تشکلهای

پایبندی به آرمان خواهی و پی گیری ارزش هایی چون عدالت در تشکل های دانشجویی، باید زمینه ساز یک انتخاب اساسی برای تحقق مدل زندگی جهادی از سوی فعالان آنها باشد. اثرات چنین انتخابی می تواند در تصمیم های حیاتی و

برخی فعالان دانشجویی نحوه ادامه تحصیل، حتی پس از فارغ مشاهده شود.

یعنی تسری آرمان گرایی زندگی - باید خود را در یک تشکل دانشجویی وجوه تمایز آن را از یک

پایبندی به آرمان خواهی و
پی گیری ارزش هایی چون عدالت
در تشکل های دانشجویی، باید
زمینه ساز یک انتخاب اساسی
برای تحقق مدل زندگی جهادی
از سوی فعالان آنها باشد

مهم زندگی
نظیر ازدواج،
انتخاب شغل
التحصیلی نیز
این نگرش -
به همه ابعاد
نحوه اداره
نشان دهد و

حزب سیاسی، اداره دولتی و یا هر تشکل اجتماعی دیگر نمایان سازد. تکیه بر جذب آگاهی محور و مشارکت آگاهانه، توجه جامع به همه نیازها و تکالیف دانشجوی، تغییر مدل زندگی دانشجویی و نحوه توزیع وقت، استفاده مناسب از ابزارهای اثرگذار بر مخاطب، توجه ویژه به استفاده از استادان و صاحب نظران و... عرصه هایی است که باید در نظریه مدیریت هر تشکل دانشجویی تعریف شود.

به نظر ما فعالیت تشکل‌های دانشجویی ذاتاً فکری، فرهنگی است اگرچه با نمود سیاسی. لذا بنا به ضرورت آرمان‌خواهی باید از رفاه‌زدگی، ایجاد توقعات کاذب، طلب‌کاری از انقلاب، نگاه ابزاری به فعالیت دانشجویی، سکوی پرش شدن به مناصب کلان و پی‌گیری منافع فردی، جداً پرهیز نمود.

بخش دوم. ضرورت تبیین مجدد رابطه مردم و رهبری

گرچه بارها از سوی حضرت امام(ره) و رهبری انقلاب شاخصه‌های مهم و اصلی رابطه امام و امت انتساب نظریه‌های یک سو و بدفهمی مواردی، حاکی از پیش این موضوع و امت است. در این صورت، به بیشتری را می‌توان در

گروهی با سوء استفاده از حمایت‌های رهبری از دولت خدمت‌گزار و انقلابی، هر گونه نقد به عملکرد اجزای دولت را هم محکوم می‌کنند.

نظر می‌رسد فرصت‌های بدنه مردم، برای

پی‌گیری رهنمودهای رهبری فعال کرد.

برخی آسیب‌های موجود در فضای کشور از این قرارند:

- برخی گمان می‌کنند نقطه شروع همه تحولات کشور باید رهبری باشد. در حالی که در برخی عرصه‌ها، مردم باید پیشگام شده و راه را برای گام‌های بعدی رهبری مهیا سازند.
- عده‌ای برخی از امور را با انتساب به رهبری توجیه کرده و با گزاره‌هایی نظیر «حتماً رهبری مطلعند اگر صلاح می‌دانستند موضع می‌گرفتند»؛ «درست آقا گفتند اما منظورشان چیز دیگری است»؛ «آقا در جلسه خصوصی گفتند...» مانع از طرح سوالات و انتقادات می‌شوند.
- برخی نظریه پردازان گمان می‌کنند تقویت نقش مردم به معنای تنزل جایگاه رهبری است. ترویج این نظریه‌ها به نقش حداقلی مردم منتهی شده و به فرصت‌طلبان اجازه می‌دهد تا رهبری را مسئول همه نابسامانی‌های کشور معرفی کنند.
- استفاده ابزاری، برخورد گزینشی، مصادره به مطلوب، تفسیر به رای و حتی بایگانی فرمایشات رهبری همچنان در برخی گروه‌ها جایگزین تحلیل،

منطق و پاسخ‌گویی شده است. مثلاً گروهی با سوء استفاده از حمایت‌های رهبری از دولت خدمت‌گزار و انقلابی، هر گونه نقد به عملکرد اجزای دولت را هم محکوم می‌کنند.

چقدر خوب است که رهبری یک بار کلمه ضد ولایت فقیه را تشریح و حد و مرز آن را مشخص کنند.

مبتنی بر همین فضای آسیب زده دو مصداق عینی دیگر ذکر می‌گردد :

سیاست‌های کلی اصل 44: بخشی از دل‌سوزان نظام و معتقدان به ارزش‌های انقلاب اسلامی نسبت به عواقب اجرای نادرست سیاست‌های کلی اصل 44 ابراز نگرانی کرده‌اند. اما از بیم این‌که سخنانشان نقض سخنان رهبری تلقی شود، از طرح دیدگاه‌های خود امتناع می‌کنند.

مذاکرات با آمریکا: مساله مذاکرات ایران و آمریکا، برای دانشجویان آشنا به سخنان انقلابی حضرت امام(ره) و مواضع رهبری با سوالاتی جدی همراه است: اساساً چه نیازی به مذاکره بود؟ آیا چارچوب تعریفی رهبری رعایت شد؟ یعنی ما فقط تکالیف اشغال‌گران را به آنها یادآور شدیم؟ آیا این امر مستلزم گسترش مذاکرات تا دور سوم و حتی طرح تشکیل کمیسیون مشترک امنیتی بود؟ و سوالاتی از این دست.

به‌ویژه وقتی برخی مسئولان این مذاکرات را مقدمه ای برای مذاکرات ایران با دولت آمریکا می‌دانند و برخی دیگر معتقدند می‌توان همچون چین و آمریکا با وجود تضاد در منافع اقتصادی، مذاکره و ارتباط هم داشت، این سوالات جدی تر می‌شود! در این راستا مواضع رهبری نیز تایید همه اتفاقات رخ داده تفسیر شده است.

البته موارد فوق ناقض عملکرد فعال و قابل تقدیر دولت در سایر عرصه‌های سیاست خارجی به‌ویژه سفر اخیر ریاست جمهوری نیست.

بخش سوم. ضرورت نهادینه شدن پاسخ‌گویی در مسئولین.

متأسفانه بعضی از جلسات دانشجویی با مسئولان جنبه تشریفاتی پیدا کرده است. برخی مسئولان قوا و نهادهای مختلف علاقه‌ای برای پاسخ‌گویی نسبت به عملکردشان در فضائی دوطرفه ندارند و سخنرانی و ارائه گزارش کارهای یک طرفه را ترجیح می‌دهند.

فضای علمی، اخلاقی و منصفانه دانشگاه می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقق جلسات پاسخ‌گویی باشد. عمده تلاش‌های ما برای تشکیل چنین جلساتی با شکست مواجه شده است، هر چند گاهی تعداد اندکی از مسئولان در این جلسات حضور یافته‌اند. ما آمادگی داریم تا در چنین جلساتی پاسخ سوالات موجود در مسائل مختلف، مثلاً آمار تکان دهنده فقر را بشنویم.

سخنان خود را با شعری از شاعر جوان انقلاب، امید مهدی نژاد پایان می‌دهم.

این دور دور ماست، جهان را فبر کنید
دستی به فون زمره تردید تر کنید
وقت شنیدن است، سفن مختصر کنید

مبهم مخوان به رمز، مبرهن نوشته‌اند
در سرنوشت رود گذشتن نوشته‌اند
تاریخ را برای نفواندن نوشته‌اند

فردا اشاره هاست که تاویل می‌شوند
هرکول‌های کوی؛ آشیل می‌شوند
وین فیل یا کریم، ابابیل می‌شوند

پرونده سیاه زمین را ورق زدیم
فالی به نام نامی رب الفلق زدیم
شمشیر اگر زدیم به دشمن، به مق زدیم

ما شبروان لشکر فردای قائمیم
ما آفرین سطور کتاب ملامیم
دشمن بگو پیاده بپیند، مهاجمیم

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته
جنبش عدالتخواه دانشجویی
27 رمضان 1428 / 17 مهرماه 1386

متن کامل سخنان رهبری در دیدار با دانشجویان :

اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست

بسم الله الرحمن الرحيم

از دوستانی که اینجا مطالبی بیان کردند، صمیمانه و از ته دل تشکر میکنم؛ چه دوستانی که از سوی تشکله‌ها حرف زدند، چه دوستانی که نظرات خودشان را بیان کردند، مطالب مفیدی را به گوش ما رساندند، که برخی از این مطالب، برای من مطالب جالب توجهی بود و شاید ان‌شاء‌الله یک اقدامی، یک حرکتی را ایجاد کند؛ لیکن از این جالبتر، این است که جوانهای ما، دانشجویان ما در زمینه‌ی مسائل گوناگون - چه مسائل دانشگاهی، چه مسائل سیاسی، چه مسائل اجتماعی - نظراتی دارند، مطالباتی دارند، مدعا دارند؛ این برای من جالب است. من بارها گفته‌ام؛ از آن روزی باید ترسید که جوان ما، دانشجوی ما در دانشگاه انگیزه‌ی طرح مسئله، طرح سؤال، طرح درخواست نداشته باشد. همه‌ی همت ما باید این باشد که این روحیه‌ی مطالبه، خواستن و مدعا داشتن در زمینه‌های گوناگون را در نسل جوان کشورمان - بخصوص جوان علمی - گسترش بدهیم. اگر این شد، ممکن است به همه‌ی آن مطالبات نتوان پاسخ داد - کما اینکه در کوتاه‌مدت همین‌جور هم هست؛ به همه‌ی مطالبات در کوتاه‌مدت یقیناً نمیشود پاسخ داد؛ ظرفیتها محدود است - لیکن یقیناً آینده‌ی خوب و یک افق روشن با چنین مطالباتی جلوی چشم است.

جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و تشویق بشود بر این مطالبه و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره‌ی مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرائی را برای آن جستجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن، اینها جزء وظایف و تکالیف جوان ماست که این را هم بایستی جوان ما درک کند؛ در کنار آن مطالبه و طلبکاری و مدعا داشتن که عرض کردیم.

مطلب کلیدی‌ای که لازم است اول عرض کنم - که یکی از عزیزان، اینجا مطرح کردند - راجع به گزاره‌هایی است که درباره ارتباط رهبری و مردم در اینجا و آنجا گفته میشود. این چیزی که در جلسه گفته شد، ملاک نیست؛ یا تأویل یا توجیه یا تفسیرهای منِ عندی؛ هیچ کدام اینها درست نیست. من حرفم همانی است که دارم میگویم. آنچه را که بر طبق مصلحت کشور و مصلحت نظام نباید گفت، نمیگوئیم؛ نه

بگوئیم، بعد بخواهیم در

خصوصی، مثلاً فرض

خلاف گفته را تصحیح

اینچور نیست. بله،

هست که گفتنِ آن بر

حرام است؛ نباید بگویند.

چیزهایی را که میدانیم،

که نمیشنوید، آنهایی که

هستند، آنها هم

چیزی که در جلسه

بلاشک نباید برخی از

آنچه را که نباید گفت،

اینکه باید خلاف آن را

شوب ایجاد کرد؛

جوان باید مطالبه کند، باید احساس کند که این مطالبه سودمند است، ثمربخش است؛ و باید احساس کند که او فقط مسئولیتش طرح سؤال و پرتاب کردن یک شعار نیست، که بگوید خوب، ما کار خودمان را کردیم؛ نه، پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره‌ی مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راه کار اجرائی را برای آن جستجو کردن، و بالاخره خود وارد میدان کار شدن

اینکه خلاف آن را

یک جلسه‌ی

کنید آن

کنیم؛ نخیر،

بسیاری از مسائل

مسئولان کشور

ما اگر همه‌ی آن

بگوئیم، فقط شما

دشمن شما

میشوند. قطعاً این

گفته شد، نیست؛ و

مطالب را گفت. اما

نباید گفت؛ نه

گفت و در اذهان

شائبه‌ای به وجود آورد. قبلاً این روشن باشد، معلوم باشد؛ حرف ما همانی است که از ما میشنوید؛ چه در نماز جمعه، چه در دیدارهای عمومی، چه در دیدارهای دانشجویی و دیدارهای گوناگون اختصاصی دیگر.

یک درخواست دیگر هم بکنم. دانشجویانی که به عنوان نخبگان علمی آمدند اینجا صحبت کردند، مطالب خوبی را گفتند؛ البته تندتند صحبت میکردند، من همه‌ی جزئیات را هم نشنیدم. یادداشت کردم این را بگویم به دوستان؛ خواهش میکنم آن چیزهایی که مورد نظران هست، با پیشنهادهای مشخصان روی کاغذ بیاورید؛ هم در ذهن خودتان شکل‌یابی بیشتری پیدا میکند، هم آن را به ما بدهید که ما بتوانیم اگر بناست دنبال شود، ان شاء الله دنبال کنیم.

توصیه‌ی من به فضای دانشجویی و محیط دانشجویی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛

همراه با عقلانیت. من از اول انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهایی هم که روزهای بعضی از تحرکات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران می‌آمدم و با جوانها صحبت میکردم، عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛ من با افراطکاری و زیاده‌رویهای گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نبادا به ذهن بیاید که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته میشود، بعد هم تمام میشود، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به وجود نمی‌آید. شماها

جوانها بود؛ به عنوان به عنوان طرح مسئله‌ی نمیخواهم حالا به یک کنم - این را در مؤمن، جوانهای متعهد، مطرح کردند، گفتند؛ شکل یک گفتمان نتیجه‌اش را در جهتگیریهای مردم، در انتخابات مردم، نشان یک گام جلو آمدید. من

اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته میشود، بعد هم تمام میشود، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به وجود نمی‌آید.

کردید؛ کار شما جنبش عدالتخواهی، عدالتخواهی - تشکیلات خاص اشاره دانشگاهها جوانهای جوانهای بامسئولیت وقتی تکرار شد، به عمومی درمی‌آید و گزینشهای مردم، در شعارهای مردم، در میدهد. بنابراین شما

می‌بینم بعضی از دوستان دانشجو - حالا چه در این جلسه، چه شاید بیش از این؛ در ارتباطات دیگری که با من گرفته میشود - نسبت به برخی از مسائل مربوط به عدالت و رفع تبعیض و مبارزه‌ی با فساد، در ذهنشان سؤالاتی مطرح میشود که خوب حالا چی که دائم گفتیم. بله، گفتید و شد؛ منتها این انتظار که همه‌ی آنچه را که ما خواستیم، در کوتاه‌مدت تحقق پیدا کند، عملی نیست؛ در هیچ شرائطی در کوتاه‌مدت، آرمانهای بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمانهای بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مأیوس نشد تا به نتیجه برسد.

البته محیط دانشجویی، محیط سیالی است؛ یعنی شما امروز دانشجویید، پنج سال دیگر اغلبتان دانشجو نیستید؛ یک گروه دیگری به جای شما دانشجویید. خوب، اینجا دو تا محیط برای استمرار هست: یکی خود شما هستید. شما بمجرد اینکه از محیط دانشجویی دانشگاه خارج شدید، یادتان نرود که در شکل دانشجویی، در محیط

دانشجویی، در کلاس درس، در یک چنین جلساتی چه می‌گفتید، چه می‌خواستید و به عنوان آرمان چه چیزهایی را مشخص می‌کردید؛ اینها را فراموش نکنید؛ اینها را نگه دارید. این یک مطلب است. ما یکی از آفتهامان همین است؛ آدمها چند صباحی در محیطی قرار می‌گیرند، رنگی به خودشان می‌گیرند، از آن محیط که دور شدند، مثل آهنی میشوند که از کوره بیرون بیاوری؛ تا توی کوره است، رنگش سرخ است، وقتی بیرون آوردید، تدریجاً رنگش به سیاهی می‌گراید؛ اینجوری نشوند. از درون بجوشید. این فکرها را در دلتان ریشه‌دار کنید.

عرض کنیم - راهش هم به ایمان دینی و به کنید. آنجاست که هیچ وقت فارغ توانستند مبارزه کنند، طاقت بیاورند، آنهایی مشکلات سینه سپر دستورالعمل، از این و آن امروز شما دانشگاه هست و محیط گیرا و عدالت و

اعتراض به نظرات خاص
رهبری، ضدیت با رهبری
نیست. دشمنی، نباید کرد.
رد کردن حرف، به معنای
مخالفت کردن، به معنای
ضدیت کردن نیست؛ این
مفاهیم را باید از هم جدا کرد
ما به هیچ وجه انتقاد کردن را
مخالفت و ضدیت نمیدانیم

البته - در پرانتز همین است که این را عقاید دینی وصل تکلیف الهی، انسان را نمیگذارد. آنهایی که آنهایی که توانستند که توانستند در مقابل کنند، آنها از این نسخه بهره گرفتند؛ دانشجویید و محیط جوانی است و گرم و

آرمانخواهی و اینها، بعد پس‌فردا از محیط دانشجویی که خارج شدید، همه چیز یا دفعتاً فراموش بشود یا بتدریج فراموش بشود، این درست نیست. این یک مرکز برای استمرار است.

مرکز دوم، خود دانشگاه است. شما امروز دانشجویید و انگیزه‌هایی هم دارید؛ خیلی هم خوب، فردا جای شما - پنج سال دیگر، شش سال دیگر که شما دانشجو نیستید - آنهایی که می‌آیند، وارث چه هستند؟ به تعبیر دیگر، آنها چگونه این محیط را شکل خواهند داد؟ بخشی از این کار به عهده‌ی امروز شماست، که یکی از چیزهایی که من در اینجا یادداشت کرده‌ام که به شما دوستان عرض کنم، این است. ما راجع به نخبه‌پروری علمی بحث کردیم، من حالا نخبه‌پروری سیاسی را توصیه نمیکنم. من تأیید میکنم که در بخشهای تبلیغات و صدا و سیما، نخبه‌های سیاسی و نخبه‌های اجتماعی باید مطرح بشوند؛ یکی از دوستان اینجوری فرمودید، که کاملاً درست است؛ مورد تأیید من است و این کار ان‌شاء‌الله باید بشود؛ لیکن بخشی از نخبه‌پروری هم

مربوط به شماسست؛ یعنی در محیط تشکلهای دانشجوئی، نخبه‌های سیاسی پرورش پیدا کنند؛ فضا را آماده کنید.

این دیگر دست دولت و دست محیط خارج از دانشگاه نیست؛ دست خود شماسست. از فکر، از ذهن استفاده کنید، ببینید چگونه میتوانید محیط بحث و استدلال و و ارزیابی فکری و تقویت روحیه و تقویت امید و محکم کردن پایه‌های فکر سیاسی را در این طبقه‌ی جدیدی که بعد از شما می‌آیند، برنامه‌ریزی کنید که خاطر جمع باشیم که مجموعه‌ی دانشجوئی در دوره‌ی بعد و دوره‌های بعد، همچنان در جهت همین هدفهای بلند و آرمانهای خوب پیش خواهد رفت. البته مراقب زاویه‌ها باید بود؛ کج‌رویها را بایستی دید و شناخت.

یک نکته‌ی دیگری که در دنباله‌ی آن مطالبه‌ی دانشجوئی عرض میکنم، این است که مطالبه کردن با دشمنی کردن فرق دارد. اینکه ما گفتیم گاهی اوقات معارضه‌ی با

نشود - که الان هم همین معارضه نباید بشود - این نکردن نیست؛ به معنای نیست؛ در باره رهبری هم برادر عزیزمان میگوید «ضد معرفی کنید. خوب، «ضد» چیست؛ ضدیت، یعنی پنجه کردن؛ نه معتقد نبودن. اگر نباشم، ضد شما نیستم؛

بنده از دولتها حمایت کرده‌ام، از این دولت هم حمایت میکنم؛ این به معنای این نیست که همه‌ی جزئیات کارهایی که انجام میگیرد، مورد تأیید من است، یا حتی من از همه‌اش اطلاع دارم

مسئولان کشور را تأکید میکنیم؛ به معنای انتقاد مطالبه نکردن همینجور است. این ولایت فقیه را معلوم است معنایش در افکندن، دشمنی بنده به شما معتقد

ممکن است کسی معتقد به کسی نیست. البته این ضد ولایت فقیه که در کلمات هست، آیه‌ی مُنزل از آسمان نیست که بگوئیم باید حدود این کلمه را درست معین کرد؛ به هر حال یک عرفی است. اعتراض به سیاستهای اصل 44، ضدیت با ولایت فقیه نیست؛ اعتراض به نظرات خاص رهبری، ضدیت با رهبری نیست. دشمنی، نباید کرد.

دو نفر طلبه کنار همدیگر می‌نشینند؛ خیلی هم با هم رفیقند، خیلی هم با هم باصافیند، همدرس هستند، مباحثه میکنند، حرف همدیگر را رد میکنند؛ این حرف او را رد میکند، آن حرف این را رد میکند. رد کردن حرف، به معنای مخالفت کردن، به معنای ضدیت کردن نیست؛ این مفاهیم را باید از هم جدا کرد. بنده از دولتها حمایت کرده‌ام، از این دولت هم حمایت میکنم؛ این به معنای این نیست که همه‌ی جزئیات

کارهائی که انجام میگیرد، مورد تأیید من است، یا حتی من از همه‌اش اطلاع دارم؛ نه، لازم نیست.

اطلاع رهبری از آن مجموعه‌ی حوادث و رویدادهائی لازم است که به تصمیم‌گیریهای او، به جهتگیریهای او و به انجام تکالیف و وظائف او ارتباط پیدا میکند، نه اینکه حالا از همه‌ی چیزهائی که در محیط دولت و محیط کار وزارتخانه‌ها اتفاق می‌افتد، باید حتماً رهبری مطلع باشد؛ نه، نه لازم است، نه ممکن است؛ موافقت با آنها هم لازم نیست. بعضی از اشخاص و بعضی از کارها ممکن است در مجموعه‌ی دولتی وجود داشته باشد که صددرصد مورد اعتماد و مورد تأیید ماست، اما آن کار را ما تأیید نکنیم؛ چون دلیل ندارد که رهبری وارد محیط اجرایی شود؛ به دلیل اینکه مسئولیتها مشخص است و باید مسئول، وزیر، رئیس فلان مرکز یا بنگاه فرهنگی یا

اقتصادی، وظائف
ما به هیچ وجه نمیدانیم. بعضی مسئولان کشور، از خدمتگزار و کارهائی هم که کارها جلو چشم که اهمیت این میکنیم، این

خودش را انجام بدهد. بنابراین
انتقاد کردن را مخالفت و ضدیت
تصور میکنند که ما چون از دولت محترم - که واقعاً دولت باارزشی است؛ حقاً و انصافاً. دارد انجام میگیرد، می‌بینید؛ است. باید انسان بی‌انصاف باشد کارها را انکار کند - حمایت حمایت و این طرفداری، به

شما برای کار علمی باید استاد داشته باشید، برای کار معرفت دینی باید استاد داشته باشید، برای کار سیاست هم همین‌جور است. کار را شما میکنید؛ او راهنمایی میکند.

معنای این است که انتقاد نباید کرد، یا من خودم انتقاد نداشته باشم؛ ممکن است مواردی هم انتقاد داشته باشم.

به هر حال شما آنچه که من امیدم هست در محیط دانشجویی، این است. واقعاً این‌جور هم خواهد شد؛ مطمئن باشید؛ چون انسان حرکت کلی را که سنت آفرینش است، می‌بیند؛ چرا که هر جا ایمان بود و مجاهدت دنبالش بود، نتیجه قطعی است؛ می‌بینم که خواهد شد.

آن چیزی که ما از محیط دانشجویی مان انتظار داریم، پیشرفت علم، پیشرفت اندیشه‌ی سیاسی، عمق اندیشه‌ی دینی و ایمان دینی، عمق معرفت دینی و روشن‌بینی دینی، دست یافتن به قلمروهای جدید؛ هم در زمینه‌ی علم، هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی معرفت دینی در محیط دانشجویی است؛ البته به کمک راهنمایان هر بخشی. شما برای کار علمی باید استاد داشته باشید، برای کار معرفت دینی باید استاد داشته باشید، برای کار سیاست هم همین‌جور است. کار را شما

میکنید؛ او راهنمایی میکند. دانشگاه ما و محیط دانشجویی ما بایستی در همه‌ی این عرصه‌ها پیشرفتهای حقیقی و چشمگیری کند و این پیشرفتها را انشاءالله خواهد کرد.

پروردگارا! من این جوانها را که فرزندان من هستند در حقیقت، به تو میسپارم. پروردگارا! همه‌شان را در کنف حمایت خود و هدایت خود و لطف خود نگاهدار. پروردگارا! نسل جوان کشور ما را آینده‌سازِ آرمانی این کشور قرار بده. پروردگارا! همه‌شان را، حرکاتشان را، جهتگیریهایشان را، اقدامهایشان را مشمول رضای خودت قرار بده. پروردگارا! جوانان ما را در توفیق علم همراه با عمل - علم جهت‌دار و ثمربخش - موفق بدار. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ ارواح طیبه‌ی شهدای عزیزمان و روح مطهر امام را از ما راضی و خشنود کن؛ ایران و جمهوری اسلامی را روز به روز سربلندتر و عزیزتر بفرما.

والسّلام علیکم و رحمة اللّٰه و برکاته

جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.Edalatkhahi.ir

info@Edalatkhahi.ir

آدرس : تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، جنب بانک ملت، پلاک 789
تلفن : 88938821 و 88939835